

یادداشت

جنگ روایت‌ها

همین روایت (البته فیک) توانست در اذهان مخاطبان بی‌شماری از اقصی نقاط عالم جا بیفتد و به نتیجه حمله نظامی آن دو کشور به بغداد را موجه جلوه بدهد؛ حال آنکه واقعیت امر با روایت مغایرت تام داشت.

جنگ روایت‌ها در دو، سه دهه اخیر به داخل کشورمان هم امتداد یافته و به طرز نگران‌کننده‌ای رو به گسترش گذاشته است. روایت کرسنت، انتخابات ۸۸، برجام، سازوکار ماشه، FATF، اتهام‌زنی‌های متقابل «ب.ز» و بانک مرکزی به یکدیگر با دو خوانش متغییر که قهرمان داستان در یکی از آن دو، خائن و در دیگری خادم می‌نماید. و... از مصادیق عمده جنگ روایت‌هاست که ما ایرانیان را به‌شدت به خود مشغول داشته و تشویش افکار عمومی حداکثری را ایجاد کرده است.

داخلی‌شدن چنین جنگی به طور مضاعف مخرب و زیان‌بار است. بیگانگان وقتی علیه دیگران به این نوع جنگ متوسل می‌شوند، منافع خود (هرچند نامشروع) را در آن جست‌وجو می‌کنند و آن‌کس که زیان می‌بیند، مخاطب ناآگاهی است که ذهن او دستاویز روایت مهندسی‌شده آن روابان قرار می‌گیرد. جنگ روایت‌ها راجع به مسائل داخلی برنده ندارد و طرفین که هرکدام به نوبه خود راوی هم است، بازنده‌اند و کشور هم بازنده نهایی است.

جنگ روایت‌ها بزرگ‌ترین آفتی است که می‌تواند به جان نظام حکمرانی بیفتد. این نوع جنگ نرم، انسجام ملی و وحدت نظر درباره کلان‌روایت‌ها را به کلی از بین می‌برد، اعتماد عمومی را زائل می‌کند، به شایعات دامن می‌زند و آن را عملاً جایگزین حقیقت می‌کند، نسبت به کلیت نظام حکمرانی حس بدبینی ایجاد می‌کند و ناکارآمدی آن را در درون و بیرون مرزها به رخ همگان می‌کشد و بالاخره آنکه جامعه را دوقطبی می‌کند.

چنانچه سیستم ایمنی نظام حکمرانی به قدری قوی نباشد که آفت بدخیم مزبور را از خود دور کند و آن نظام را به تنظیمات درست‌ودرمان خود بازگرداند، کیان کشور هدف قرار می‌گیرد و یحتمل برون‌دادی به‌جز آسیب پذیری به ارمغان نمی‌آورد.

برای مصداق‌کردن بیش از پیش بحث، همین داستان کرسنت را به عنوان نمونه در نظر بگیریم. صحبت از ده‌ها میلیارد دلار زیان بالفعل و بالقوه برای کشورمان است. صحبت از مصادره بعضی از دارایی‌های شاخص کشورمان در بهترین نقاط عالم است. صحبت از امکان آسیب‌پذیری حاکمیت کشورمان بر جزیره ایرانی بوموسی است. صحبت از ارتشاست. صحبت از عدم‌النفع چنده میلیارد دلاری است و...

کدام‌یک از این گزاره‌ها درستی‌سنجی شده است؟ کدام گروه میان‌دار به معرکه ورود کرده و بی‌طرفانه و کارشناسانه راوی حقیقت امر شده است؟ شاید گفته شود که چون پرونده امر طبقه‌بندی بوده، افراد متفرقه ولو میان‌دار را امکان ورود نبوده است. در این صورت، باید پرسید در ایمن بیش از ربع قرن اخیر کدام دادگاه صالح‌های تشکیل شده و چه حکمی صادر کرده است؟ باشد تا دست‌کم به این طریق یکی از پرونده‌های جنجالی و به‌شدت هزینه‌زای ملی تعیین‌تکلیف شود و دیگر انرژی کشور مصرف این درد مزمن نشود. ولی بالاخره تعلل تا کجا؟ ترک فعل تا کجا؟

ایران خسته تا کجا برای زیست با بحران‌های جورواجور تاب‌آور است؟ به فرض وجود این تاب‌آوری، چرا آن را برای دفاع از کیان کشور در برابر دشمنان غدار و خونریز خارجی ذخیره نکنیم؟

کاری که حکمرانان می‌کنند، دست‌کم مانند جاروزدن زباله به زیر فرش است. انباشت زباله‌ها از آن گوه می‌سازد، به‌طوری که حتی خود فرش را هم در بر می‌گیرد و اثری از آن به جا نمی‌گذارد.

به راستی آزمایی روی آورید. دمل‌های چرکی را از ساحت حکمرانی کشور دور کنید؛ دشمن اصلی همین است و نفوذی اصلی هم همین جاست.

این را مغفول نگذاریم. بالاتر از حقیقت چیزی نیست.

جنگ روایت‌ها به چشم شفافیت که همان حقیقت است، خاک می‌پاشد و به این ترتیب آنچه باقی می‌ماند ظلمت است.

نه نسل حاضر و نه نسل‌های آینده که ما دسترسی به آنها نداریم ولی آنها به تاریخ و کارنامه ما دسترسی خواهند داشت. از این ناسامانی‌های هنجارشکن و خنامان‌براننداز چشم‌پوشی نخواهد کرد.

تالی فاسد نابسامانی‌های مورد اشاره، آیندگان را بیش از دیگران آزار می‌دهد و این ظلم مضاعفی است که به آنان می‌شود.

وزارت راه و شهرسازی

آقای احمدی نژاد نیز با جسارت و شجاعت بیشتری وزیر بهداشت را از میان زنان برگزید. اما انتخاب خاندم مالواجرد از جنسی دیگر بود، چراکه وزارتخانه‌ای فنی، صنعتی و بزرگ را برعهده گرفت و انتخابش رنگ‌وبوی فائزنی نداشت. این اقدام برای جامعه زنانی که نقش مهمی در تحولات اجتماعی یافته‌اند، اتفاقی مثبت و امیدوارکننده بود.

این نکته را هم به خود ایشان گفتم و هم در دیداری با رئیس‌جمهور مطرح کردم. آقای پزشکیان نیز به‌درستی گفتند که همه باید کمک کنیم تا او موفق شود، چراکه موفقیتش علاوه بر وزارتخانه، موفقیت توسعه اجتماعی کلان کشور است.

اما در این نخستین تجربه در این سطح، براساس قضاوتی از دور، خانم مالواجرد با مشکلات زیادی روبه‌رو شد؛ بخشی خودخواسته، بخشی تحمیلی و زوالتان در مناقشات کارگری که برهم زد. مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای نیز به همین دلایل با انتقادهای گسترده‌ای مواجه شد.

ایشان ادعای سیاسی‌بودن نداشت و حتی آن را صراحت بیان می‌کرد، اما در فضایی دوگانه میان سیاست و انتخابات ریاست‌جمهوری به کابینه پزشکیان راه یافته بود. جریان پیروز انتخابات انتظار تحول در وزارتخانه، حضور نفس‌های تازه اصلاح‌طلب و نیروهای جوان را داشت، که این خواست چندان محقق نشد.

از سوی دیگر، به دلیل بزرگی و منابع مالی کلان وزارتخانه، جناح مقابل و به‌ویژه مجلس فشار زیادی بر انتخاب‌های او وارد کردند. خانم وزیر در میان این دو فشار، به نظر می‌رسد بیشتر تسلیم مجلس شد تا ترجمه‌ای سطح پایین‌تر از وقایع رئیس‌جمهور را اجرا کند؛ کاری که بسیاری از هم‌قرانانش در وزارتخانه‌های دیگر نیز انجام دادند. گویی رقیب اصلی پزشکیان، مجلس است، نه مخالفان بیرونی.

از تجربه سال‌های دراز سیاسی می‌گویم: باج‌دادن به جناح‌ها نه انتقاد را کاهش می‌دهد و نه استیضاح را رفع می‌کند. هنوز هم معتقدم به گفته آقای پزشکیان باید برای توسعه اجتماعی کمک کنیم تا خانم مالواجرد موفق شود. چه‌بسا دلیل استیضاح احتمالی او، انتقام از موفقیت زنان در عرصه‌های اجتماعی باشد.

به خانم وزیر نیز توصیه دارم از خوشاوندسالاری، باج‌دهی به مخالفان

سیاسی و زوالتان در مناقشات کارگری که برهم زند. مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای ایشان باید فقط رنگ‌وبوی کار در آن وزارتخانه بزرگ را داشته باشد. معاونان نیز باید گزارش‌های کاری بیشتری به افکار عمومی ارائه کنند. آنچه شنیده‌ام، موفقیت‌های شما در عرصه عمل، فارغ از حواشی، ستودنی است.

به نقش خود برای تعالی جایگاه توسعه‌ای و جدی زنان در کشور بیشتر توجه کنید. موفق باشید.

آیه «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» را بیشتر بخوانید.

گزارش «شرق» از پدیده چندشغله‌بودن مردان و زنان ایرانی برای تأمین هزینه‌های زندگی

معلمان و پرستارانی که نظافتچی شدند

بر اساس گزارش آچاره (پلتفرم ارائه خدمات)، ۲۲ درصد از متخصصان فعال در این پلتفرم، دوشغله‌اند که شغل اولشان معلم، پرستار، کارمند و کشاورز است

اگر تا چند دهه پیش یک نفر سرپرست خانواده بود و کار می‌کرد و هزینه کل آن خانواده چندنفره را می‌پرداخت، حالا به نظر می‌رسد اشتغال هم‌زمان زوج‌ها حتی در چند شغل ایران به‌تازگی با انتشار خبری، میزان افراد دوشغله در مناطق شهری را کمتر از دو درصد اعلام کرده است، اما رصد دقیق تر اشکال زیستی مردم شواهد دیگری را نشان می‌دهد. طبق گزارش مرکز آمار، درحالی‌که در اخبار غیررسمی گفته می‌شود تعداد قابل توجهی از شاغلین مناطق شهری کشور در قالب کار هم‌زمان در کارمندی و اشتغال پاره‌وقت در تاکسی‌های اینترنتی و... چندشغله هستند، اما تعداد شاغلین دیو با چندشغله هم کل کشور ۶۰۴ هزار شاغل است

ساعت و ۵۰ دقیقه، ۴۶ ساعت و ۲۷ دقیقه کاهش یافته است. این در حالی است که ساعت کاری دوشغله‌ها در شغل اصلی در مدت مشابه، از ۳۹ ساعت و ۲۶ دقیقه، به ۳۹ ساعت و ۱۷ دقیقه رسیده است. سهم مردان و زنان دارای دو شغل و بیشتر در طی ۹۸،۹۷ و ۹۹ روند افزایشی داشته است. به طوری که سهم مردان از ۳،۵ درصد به ۳،۸ درصد و برای زنان از ۱،۶ درصد به دو درصد رسید. نکته درخو توجه اینکه در این سه سال، بیشترین سهم دوشغله‌ها از گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال به ۴۰ تا ۴۴ سال منتقل شده است.

۲۲ درصد متخصصان آچاره دوشغله‌اند

اما «شرق» برای یافتن داده‌های جدیدی که کمتر به آن پرداخته شده، سراغ مجموعه‌ای استارت‌آپی رفت که افراد می‌توانند تخصص خود را در آن ثبت کرده و با تخصصی که در حوزه‌های مختلفی مانند نظافت، تعمیرات، زیبایی و... دارند، امرار معاش کنند. دوافع متخصصان رشته‌های مختلف در این پلتفرم به مشتریان خود وصل می‌شوند. همین هم سبب شد تا «آچاره» به یکی از مراجع داده و اطلاعاتی برای نگارش این گزارش بدل شود. طبق داده‌هایی که تیم روابطعمومی آچاره در اختیار روزنامه شرق گذاشته است، ۸،۴۷ درصد از متخصصان این مجموعه که دارای مهارت در حوزه‌های نظافت و پذیرایی هستند، در سایر دسته‌های شغلی نیز فعالیت دارند؛ از جمله در دسته‌هایی مانند باربری و جابه‌جایی، کارواش، برق‌کاری، خدمات و تعمیرات خودرو، زیبایی و خیاطی. براساس گزارش آچاره، ۲۲ درصد از متخصصان فعال در این پلتفرم، دوشغله‌اند. قسمت درزناک ماجرا آتجاست که طبق آمار، این جمعیت ۲۲درصدی در حرفه اولیه خود، معلم، پرستار، کارمند و کشاورز هستند. اما بررسی کلی‌تر وضعیت اشتغال افراد در این مجموعه هم دارای داده‌های ارزشمندی است، از جمله اینکه ۷۱ تا ۷۶ درصد متخصصان‌شان در بازه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال قرار دارند. سهم جوانان و نسل زد که بازه سنی ۱۸ تا ۲۰ سال را شامل می‌شود، ۱،۵ درصد است. از نظر تحصیلات دانشگاهی هم بیش از ۳۴ درصد آنها تحصیات تکمیلی دارند و ۶۵،۱ درصد این افراد، دارای مدرک سیکل و دیپلم هستند. در بخش توزیع جسنیتی نیز، ۱۴،۹ درصد متخصصان آچاره را زنان تشکیل می‌دهند. این عدد نزدیک به ۱۵درصدی که شامل ۳۱ هزار زن می‌شود، در حالی رخ داده است که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کل کشور به‌سختی به ۱۴ درصد می‌رسد و چندين دهه است که در همین سطح باقی مانده است.

چندشغله‌بودن؛ نارسایی ساختاری در بازار

«مریم زارعیان»، استادیار بخش مطالعات اجتماعی و توسعه پایدار، جامعه‌شناس و پژوهشگر، در تحلیل چندشغله‌بودن در ایران یک پارادوکس اجتماعی-اقتصادی را صورت‌بندی می‌کند: «در مواجهه با پدیده چندشغله‌بودن در ایران، با یک پارادوکس اجتماعی-اقتصادی عمیق روبه‌رو هستیم که فقط از طریق واکاوی کارشناسانه ابعاد مختلف آن قابل درک خواهد بود. این پدیده را باید فراتر از یک راهبرد معیشتی فردی، به‌منابۀ نشانه‌ای از نارسایی‌های ساختاری در بازار کار و اقتصاد ایران تفسیر کرد». او با اشاره به افزایش هزینه خانوار می‌گوید: «هنگامی که هزینه‌های مسکن در شهرهای بزرگ مانند تهران تا ۴۲ درصد از درآمد خانوار را به خود اختصاص می‌دهد و هم‌زمان هزینه‌های خوراک با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو است، طبیعی است خانوارها برای بقا به راهکارهای متعددی متوسل شوند، اما نکته کلیدی اینجاست که حتی با وجود پایین‌تربودن برخی هزینه‌ها مانند حامل‌های انرژی در مقایسه با استانداردهای جهانی، وقتی این هزینه‌ها در نسبت با درآمدهای محدود سنجیده می‌شوند، فشار ملموسی بر دوش خانوارها وارد می‌کنند. از نظر دورکیم، جامعه سیستمی است که اجزای آن برای حفظ ثبات کل کارکرد دارند. چند شغل داشتن را می‌توان پاسخی کارکردی از سوی خانوارها برای حفظ نظم اجتماعی در مواجهه با ناکارآمدی یا نپایه‌ها (مانند نهادهای اقتصادی و حمایتی) تفسیر کرد. با این حال، این راهکار در بلندمدت به نفعی برای پی‌نهماری می‌شود زیرا فشار و فرسایش ناشی از آن، پیوندهای اجتماعی و هنجارهای حاکم بر زندگی را تضعیف می‌کند». دران‌میان تاریخ این مشارکت اقتصادی ایران که حدود ۴۱ درصد است و کشور را در رتبه ۱۷۷ جهان قرار می‌دهد، خود گویای پارادوکس موجود است: «این آمار نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جمعیت در سن کار، یا شاغل نیستند یا در جست‌وجوی کار دست کشیده‌اند. اما آنچه این رقم کلی پنهان می‌کند، شکاف عظیم جنسیتی در بازار کار است؛ نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶۷،۳ درصد در مقابل نرخ ۱۳،۱درصدی برای زنان». به اعتقاد او، نابرابری جنسیتی در بازار کار، شکاف فرسایش سرمایه جسمانی و سرمایه اجتماعی است، «از یک سو، زنان برای حفظ حضور خود در محیط کار، اغلب ناچار به پذیرش مسئولیت‌های چندگانه‌اند. بسیاری از زنان شاغل به مشاغل خانگی یا پاره‌وقت روی می‌آوردن تا بتوانند مسئولیت‌های مراقبتی و خانوادگی خود را هم‌زمان با فعالیت اقتصادی تلفیق کنند. این همان بار نامرئی کاری است که بر دوش زنان قرار دارد. حتی زمانی که به سمت مشاغل خانگی می‌روند، این استراتژی نیز شکلی از چندشغله‌بودن برای تلفیق نقش‌های مختلف است. آنها نه‌تنها در بیرون از خانه، بلکه در درون خانه نیز شصیت دوم خود را سپری می‌کنند. از سوی دیگر، مردان نیز با چالش‌های خاصی روبه‌رو هستند: «برای بخشی از مردان، چند شغل داشتن، از یک انتخاب به یک اجبار تبدیل شده است. آنها ناچارند شغل اصلی خود را با فعالیت‌های مکمل همراه کنند، اما حتی این راهبرد نیز در شرایط کنونی برای تأمین هزینه‌های زندگی کافی نیست. اینجاست که به مشاغلی مانند رانندگی در پلتفرم‌های آنلاین یا کارهای ساختمانی مقطعی روی می‌آورد». اما نکته مهم آن است که بخش عمده‌ای از این اشتغال و چندشغلگی در بخش غیررسمی اقتصاد رخ می‌دهد: «این مشاغل فاقد بیمه، امنیت شغلی و مزایای قانونی هستند و کارگران را در برابر شوک‌های اقتصادی به‌شدت آسیب‌پذیر می‌کنند. این وضعیت به‌وضوح نشان می‌دهد چند شغل داشتن در ایران بیش از آنکه نشانه پویایی اقتصادی باشد، واکنشی آسیب‌ناخشی به بازار کار راکد و اقتصادی است که قادر به جذب بهینه نیروی انسانی خود نیست».

از نگاه این جامعه‌شناس، تداوم این پدیده به عنوان یک هنجار جدید، پیامدهای مخربی برای جامعه در پی خواهد داشت: «کاهش زمان استراحت و فراغت به افزایش استرس و کاهش کیفیت زندگی می‌انجامد. از دیدگاه پیر بوردیو، این امر به معنای فرسایش سرمایه جسمانی و سرمایه اجتماعی شبکه‌های ارتباطی و اعتماد مقابل است. زمانی برای تقویت این سرمایه‌ها باقی نمی‌ماند و جامعه به سمت فردگرایی افراطی و ضعف پیوندهای جمعی پیش می‌رود. کاهش زمان اختصاص‌یافته به خانواده و گفت‌وگوی درون‌خانوادگی، استحکام این نهاد بنیادین را خدشه‌دار می‌کند. کودکان و همسران از حضور کیفی والدین و شریک زندگی محروم می‌شوند که می‌تواند به شکاف نسلی و تعارضات خانوادگی بینجامد». زارعیان در جمع‌بندی نهایی می‌گوید: «پدیده اشتغال در چندین بخش، صرفاً یک راهبرد فردی برای بقا نیست، بلکه نشانه‌ای از یک نارسایی بزرگ‌تر در جامعه است؛ جامعه‌ای که در آن عده کمی مجبور به حمل بار سنگین معاش جمعیت زیادی از افراد خارج از چرخه کارند، در بلندمدت با فرسایش سرمایه انسانی و اجتماعی روبه‌رو خواهند شد».



چند شغل نداشته باشیم در آچاره خانه هم می‌مانیم

«من و همسرم روی هم پنج شغل مختلف داریم»؛ این را «مرجان» می‌گوید که در بخش بازگانی یک شرکت خصوصی کار می‌کند. او علاوه بر این شغل، سه روز در هفته برای دانش‌آموزان کلاس خصوصی شیمی برگزار می‌کند، چون از ابتدا رشته تحصیلی‌اش همین بوده و یک صفحه اینترنتی هم دارد که در آنجا فروش لباس آنلاین دارد. اما این سه شغل با هم نمی‌تواند هزینه‌های زندگی او و خانواده‌اش را با داشتن دو فرزند تأمین کند: «فکر نمی‌کنم جز خانواده‌های بسیار ثروتمند که اساساً از طبقه دیگری هستند، دیگر خانواده‌ای نباشد که دو نفر شغل ساده‌ای

دارند و با همان هم هزینه زندگی را بپردازند. در بهترین حالت هرکدام‌شان در همان شغل باید چندین شیفت اضافه‌کار کنند. این کارها را نکنیم، در آچاره‌خانه هم می‌مانیم. من سه شغل دارم که از هرکدام درآمدی برای خودم ایجاد کرده‌ام، به جز من، همسرم هم که در شرکت خصوصی دیگر کار می‌کند، پروژه‌های متعددی از شرکت‌های دیگر می‌گیرد. در غیر این صورت اصلاً از پس هزینه‌های زندگی و خرج‌های دو بچه مدرسه‌ای برنمی‌آیم».

روشن است که با این حجم کار، این خانواده فرصت زیادی برای وقت‌گذراندن با یکدیگر ندارند: «چند هفته پیش یک بار با همسرم حساب کردیم که در هفته گذشته‌اش همدیگر را سر جمع ۲۰ ساعت هم ندیده بودیم، چون زمان پایان فصل مدرسه بود و من به صورت فشرده کلاس خصوصی داشتم. او هم پروژه‌های زیادی گرفته بود و فقط قبل از خواب در خانه می‌شد کمی همدیگر را ببینیم. حتی تعداد وعده‌های غذای مشترکی که چهارنفری با هم می‌خوریم، بسیار محدود است».

این اما موقعیتی نیست که فقط مرجان گرفتارش باشد. «آرش» هم شرایط مشابهی در خانواده‌اش در جریان است: «ما که بچه بودیم خاطرم هست یک نفر در خانواده که اغلب پدر خانه بود، کار می‌کرد و چندین نفر از همان یک شاغل، زندگی‌شان را پیش می‌بردند. معمولاً هم در زمان‌های گذشته بچه‌ها زیادتر بودند. حالا اما زن و شوهر با هم چند شیفت کار می‌کنند و باز هم آخر ماه عقب‌اند». او که خودش و همسرش چندشغله‌اند، می‌گوید با وجود این‌همه کار، خیلی از آرزوهای تبدیل به محال شده است: «من در بخش منابع انسانی یک شرکت کار می‌کنم و در چند شرکت دیگر نیز پروژه‌های گرافیکی برمی‌دارم. همسر که پرستار است، در یک مرکز تخصصی دندان‌پزشکی نیز کار می‌کند. تازه هنوز بچه‌ای هم نداریم، اما دیگر خرید چیزی مثل یک خانه در تهران برای ما تبدیل به آرزوی محال شده است؛ چون هرچقدر هم کار کنیم، پس‌اندازمان به خرید خانه و حتی یک ماشین خوب نمی‌رسد. درواقع همین‌قدر درمی‌آوریم که بتوانیم یک خانه آبرومند آچاره کنیم و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی را بپردازیم». آرش می‌گوید اغلب افرادی که در اطرافش می‌شناسد، همین شرایط را دارند: «تازه من جز، خوش‌شانس‌ها هستم که همه کارهایی که انجام می‌دهم در همان حوزه تخصصی خودم است و به هر حال نیمچه علاقه‌ای هم در این میان وجود دارد. در شرکت ما و در اطرافم افراد بسیاری را می‌شناسم که شغل‌های دوم و سوم‌شان هیچ ارتباطی به علاقه و تخصص‌شان ندارد. آدم‌های زیادی هستند که وقتی از محل شغل اول‌شان تعطیل می‌شوند، تازه سراغ تاکسی‌های اینترنتی می‌روند؛ چه با ماشین و چه با موتورسیکلت. زن و مرد همه دارند».

مرکز آمار: ۶۰۴ هزار دوشغله در ایران

اگر چه هر چند سال یک بار داده‌هایی مربوط به جزئیات وضعیت اشتغال مردم ایران منتشر می‌شود، اما گاهی به نظر می‌رسد اعداد درج‌شده در این گزارش‌ها شکاف زیادی با حقیقت زیست اجتماعی مردم دارد. برای مثال، مرکز آمار ایران به‌تازگی داده‌ای درباره میزان افراد دوشغله در کشور اعلام کرده است. این مرکز نهم همراه امسال با انتشار خبری، میزان افراد دوشغله در مناطق شهری را کمتر از دو درصد اعلام کرد و نوشت: «درحالی‌که در اخبار غیررسمی گفته می‌شود تعداد قابل توجهی از شاغلین مناطق شهری کشور در قالب کار هم‌زمان در کارمندی و اشتغال پاره‌وقت در تاکسی‌های اینترنتی و... چندشغله هستند، اما مرکز آمار ایران در آخرین گزارش خود تعداد شاغلین دو با چندشغله را در کل کشور ۶۰۴ هزار شاغل اعلام کرده که از این تعداد، ۲۴۸ هزار نفر در مناطق شهری و ۳۵۵ هزار نفر در مناطق روستایی فعالیت می‌کنند. به عبارتی، در کل کشور معادل ۲،۴ درصد از شاغلین، در مناطق شهری ۱،۳ درصد و در مناطق روستایی کشور ۶،۲ درصد از شاغلین بیش از یک شغل دارند». نگاهی به این آمار در سال‌های گذشته هم نشان می‌دهد که مرکز آمار اعلام کرده، نمی‌تواند با افزایش تورم، نرخ ارز و کاهش قدرت خرید مردم همسو باشد. طبق آمار اعلام‌شده مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در بهمن‌ماه سال ۹۹، سهم شاغلان دوشغله و بیشتر بین سال‌های ۹۸ تا ۹۸،۱ درصد به ۳،۴ درصد افزایش یافته بود؛ آماري که شیب ملایم افزایشی را نشان می‌دهد. در سال‌های ۹۷ و ۹۸ شاغلان «کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری»

بیشترین سهم را در بین دوشغله‌ها داشتند؛ یعنی حدود ۴۹،۴ درصد تا ۵۴،۴ درصد جمعیت دو و چندشغله‌ها را به خود اختصاص داده بودند. همچنین در سال ۹۸ طبق آمار، ۷۰،۶ درصد شاغلان دوشغله به فعالیت اقتصادی کشاورزی پرداخته‌اند و این موضوع در سال‌های ۹۶ و ۹۷ به ترتیب ۶۶،۸ درصد و ۶۶ درصد بوده است. معمولاً تصور می‌شود شاغلان بخش‌های مختلف اقتصادی برای تأمین کسری در آمد خود به مسافركشی روی می‌آورند، این در حالی است که براساس آمار سال ۹۹، فقط ۳،۲ درصد دوشغله‌ها به حمل‌ونقل زمینی پرداختند و این سهم در سال‌های ۹۶ و ۹۷ نیز به ترتیب ۳،۷ درصد و چهار درصد بوده است. از سوی دیگر ۶۷،۹ درصد شاغلان مسافركش، بخش کشاورزی را به عنوان شغل دوم برگزیده‌اند. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد شاغلانی که در زمینه آموزش فعالیت دارند، ترجیح می‌دهند در شغل دوم هم در همین بخش فعالیت کنند یا اینکه به فعالیت «کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری» و «عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل موتوروی و موتورسیکلت» بپردازند. همچنین در دوره زمانی سال‌های ۹۶ تا ۹۸ افرادی که دو شغل و بیشتر داشتند، در طول هفته یک تا ۳۳ ساعت فعالیت می‌کردند و در مقابل افرادی که یک شغل داشتند، در هفته ۵۰ ساعت در محل کار خود حاضر هستند. طبق این آمار به احتمال زیاد علت دوشغله و بیشتر شدن شاغلان، کم‌بودن ساعت هفتگی است و برای جبران درآمد پایین افراد به شغل دوم می‌پردازند.

در دوره یادشده، متوسط ساعت کاری شاغلان یک شغل از ۴۶

خبرخوان

ارائه خدمات طب تسکینی در بیمارستان محک؛ تلاشی برای کاهش درد و بهبود کیفیت زندگی کودکان مبتلا به سرطان

در دهه‌های اخیر، پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه درمان سرطان کودکان در جهان و ایران حاصل شده است. امروزه بسیاری از کودکان مبتلا به سرطان، با پشت سر گذاشتن دوره‌های درمان، به زندگی عادی بازمی‌گردند. با این حال، در برخی موارد امکان درمان قطعی وجود ندارد و عوارض ناشی از بیماری یا درمان، مانند دردهای شدید، محدودیت‌های حرکتی، مشکلات بلع و تکلم، و مسائل روحی و روانی، کیفیت زندگی بیمار و خانواده‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در چنین شرایطی، طب تسکینی (Palliative Care) به عنوان رویکردی علمی و انسانی، نقشی حیاتی در بهبود کیفیت زندگی بیماران ایفا می‌کند. هدف این نوع مراقبت، کاهش درد و رنج جسمی و روحی بیمار و کمک به او برای گذر از روزهای دشوار درمان است. این خدمات مجموعه‌ای از اقدامات تخصصی را شامل می‌شود؛ از کنترل دردهای مقاوم با داروها و مداخلات تخصصی (مانند بلوک اعصاب) گرفته تا جراحی‌های تسکینی، شیمی‌درمانی و رادیوتراپی تسکینی، مشاوره‌های روان‌شناسی و حمایت‌های مددکاری و اجتماعی از بیمار و خانواده.

در بیمارستان فوق‌تخصصی محک، بیماران نیازمند به مراقبت‌های حمایتی و تسکینی توسط تیم چندتخصصی طب تسکینی ویزیت می‌شوند. این تیم متشکل از متخصصان آنکولوژی، رادیوتراپی، درد، جراحی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی است که به صورت هماهنگ برای کاهش درد و بهبود کیفیت زندگی بیماران تلاش می‌کنند. در صورت نیاز، بیمار در بخش تخصصی درد و مراقبت‌های تسکینی بستری می‌شود تا با بهره‌گیری از جدیدترین روش‌های علمی و دارویی، درد و ناراحتی‌هایش کنترل شود و مسیر درمان با آرامش بیشتری ادامه یابد. همچنین که با هدف تداوم مراقبت از کودکان در محیط خانواده، امکان ادامه خدمات تسکینی در منزل را نیز فراهم کرده است. والدین آموزش‌های لازم را دریافت می‌کنند و تجهیزات مورد نیاز مانند دستگاه اکسیژن، ساکشن و اقلام مصرفی از جمله دستکش، به صورت رایگان در اختیارشان قرار می‌گیرد تا کودک در کنار خانواده، با احساس امنیت و آرامش بیشتری دوران درمان را طی کند.

بازگشت «سازمان ملی جوانان» پس از ۱۵ سال

ایسنا: معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان و دبیر شورای عالی نوجوانان و جوانان کشور از نهایی‌شدن روند احیای سازمان ملی جوانان خبر داد و گفت: «احیای سازمان ملی جوانان یکی از اصلی‌ترین مطالبات جامعه جوان کشور و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این حوزه است و خوشبختانه اقدامات مؤثر و جسالت متعددی برای تحقق آن انجام شده است». علیرضا رحیمی افزود: «آخرین جلسه رسمی با حضور وزیر ورزش و جوانان، معاونان وزارت و دکتر فیض‌زاده، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان آداری و استخدای کشور برگزار شد و پس از آن نیز چندین نشست کارشناسی برای نهایی‌سازی ساختار جدید تشکیل شده است». او ادامه داد: «سازمان ملی جوانان پس از احیا، ذیل وزارت ورزش و جوانان فعالیت خواهد کرد و مأموریت‌های قانونی دولت در حوزه جوانان را به صورت متمرکز، هدفمند و کارآمد دنبال می‌کند. این سازمان بار دیگر به محملی برای فعالیت‌های ساختاری و امیدبخش نسل جوان کشور تبدیل خواهد شد».